



گزارش

وصال روحانی

روزنامه‌نگار

انتخاب «جی‌دی ونس» از سوی دونالد ترامپ به عنوان معاونش (البته در صورت بازگشت وی به کاخ سفید در انتخابات آبان‌ماه) یکی از مهم‌ترین اتفاقات سیاسی هفته‌های اخیر جهان بوده زیرا سه‌م این سیاستمدار تندرو ۴۰ ساله در ترسیم وقایع بعدی امریکا و به تبع آن جهان، می‌تواند بسیار بیشتراز یک معاون صرف باشد.

برخی تحلیلگران می‌گویند ونس چه در صورت ورود به کاخ سفید در معیت ترامپ ۷۸ ساله و چه در صورت ثبت‌نام در انتخابات چهار سال بعد، از زمینه‌های لازم برای حکمروا شدن در امریکا برخوردار است و در آن صورت به سبب ایده‌های رادیکال او، گرایش‌های شدیدش به اسرائیل و نظرات اقلیت‌ستیزانه وی،

انحصارطلب و بخصوص سفیدپوستان افراطی آن را «رؤیای آمریکایی» نامیده‌اند و در چنان دنیایی، سفیدپوستانی که اینک

ترامپ را مظهر رستگاری خود می‌دانند، از هرگونه حضور توأم با مزاحمت اقلیت‌های قومی و نژادی و بخصوص سیاهپوستان رهایی می‌یابند و با ماندن مسلمانان به حاشیه با بهانه‌هایی واهی همچون تروریست بودن آنها، همه چیزها را به قیضه خود درمی‌آورند. اگرهم اینک ترامپ برآورده کننده این خواسته برای آنهاست، گذشت زمان و پیر شدن وی به آرامی این جایگاه را از او خواهد ستاند و در چنان زمانی ونس به پرچمدار تازه پوپولیسم ویرانگر در امریکا تبدیل خواهد شد. رویکردی که هر چیزی را ویران می‌کند تا سفیدهای افراطی در کمال رفاه باشند. ونس لاقفل از منظر امریکایی‌ها ویژگی‌های افرادی را دارد که به سبب تغییر دائمی مشخصه‌های نظم جهانی، از بین طبقه متوسط برخاسته و همت بزرگی به خرج داده تا روی پای خود بایستد و مردی خودساخته و موفق

شرایط و ویژگی‌های ونس در حال حاضر به قدری بارز و نسبت به سایر کاندیداهای احراز این جایگاه برتر است که بعید می‌نماید فرد دیگری در انتخابات درون حزبی جمهوریخواهان کوی سبقت را از وی بریابد. این در حالی است که تا قبل از انتخاب شدن ونس به عنوان «دست راست» ترامپ، به نظری رسید که ران دوسانتیس، فرماندار جدی و سرسخت ایالت فلوریدای امریکا یا «ویوک راماسوامی» سیاستمدار هندی تبار و ۳۹ ساله‌ای که مانند ونس از ایالت اوهایو می‌آید و در پیشینه‌اش تأسیس یک شرکت بزرگ فرآورده‌های دارویی هم دیده می‌شود و فوق لیسانس حقوق نیز دارد، پرچمداران حزب جمهوریخواه در انتخابات چهار سال بعد این کشور با شد.

او «دیگ چنی» نیست

در عین حال از ونس اقداماتی غریب و نشتند در نفی ترامپ در گذشته نزدیک هم مشاهده شده و او یک بار خود را مرد

سناتور ۴۰ ساله ایالت اوهایو نقشی به مراتب پررنگ تر از یک دستیار برای ترامپ دارد

ونس؛ پرچمدار نومحافظه کاران افراطی

آینده روشنی در انتظار خاورمیانه نخواهد بود. هر چقدر که ترامپ به مسائل خاورمیانه کم اعتناست، ونس روی این نکات حساسیت نشان می‌دهد و کسانی که ترامپ را به درستی به افراط‌گری شدید متهم می‌کنند، با دیدن عملکرد ونس در سال‌های آتی خواهند دید که رادیکالیسم واقعی چیست و پوپولیسمی که همیشه به ترامپ نسبت داده شده و سلاح اصلی پیروزی‌ساز او در عرصه سیاست تلقی گشته، در قیاس با افراط طلبی‌های مرگبار ونس، چیزی نزدیک به صفراست.

رستگاری به شیوه آمریکایی!

ونس که نام کاملش جیموز جیموز ونس و سناتوری از ایالت اوهایو است، شاید بالاترین تجلی چیزی باشد که امریکایی‌های

برای جهان بی‌نظم کنونی شود. جهانی که طبق دیدگاه آمریکایی‌های تندرو، حتماً باید یک لیدر بی‌رحم افراطی در واشنگتن داشته باشد و مردی از جنس ترامپ همه راه‌های آن را یکسویه کند و به سود اکثریت سفیدپوست مقیم این کشور به پایان برساند.

در غیبت پدر و با یک مادر معناد

ونس زندگی‌ای را تجربه کرده که هرگونه فرزان و فرودی را در آن می‌توان مشاهده کرد و شاید هالیوودی‌ها هم بزدی به این نتیجه برسند که این زندگی برای تبدیل شدن به سناریوی یک فیلم سینمایی پرفروش، عالی است. او به سبب بی‌مسئولیتی‌های پدر نه چندان درست‌کردار خود هرگز وی را ندید و مادرش هم که او را بزرگ کرد، معتاد به مواد مخدر و داروهای روانگردان بود. پس از واقعه تروریستی عظیم «۱۱ سپتامبر» ونس به عنوان داوطلب و با ورود به نیروی دریایی امریکا به عراق رفت تا در جنگی مشارکت کند که جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور وقت امریکا به بهانه تار و مار کردن تروریست‌های خاورمیانه و بویژه القاعده و طالبان در عراق و افغانستان به راه انداخته بود و البته تنها چیزی که از

امریکا را می‌توان در همین کتاب جست زیرا ترامپ همان راهی را طی کرد که ونس در کتاب خاطراتش مدعی پیمودن آن شده است.

فاتح بالقوه انتخابات ۲۰۲۸

اگر ونس راهی پرپیچ و خم را برای رسیدن به جایگاه رفیع فعلی‌اش طی کرده، اینک و در شرایطی که امریکا نفوذ و قدرت سابقش را در سطح جهان از دست داده، از معدود سیاستمدارانی به حساب می‌آید که می‌تواند صاحب بیشترین قدرت شود و سایر بزرگان هر دو حزب اصلی امریکا را به زیر سایه خود منتقل کند. در صورت پیروزی ترامپ بر «کامالا هریس» در انتخابات امسال امریکا، او به عنوان معاون اول وارد کاخ سفید می‌شود و آن گاه در سال ۲۰۲۸ که ترامپ به سبب نداشتن مجوز شرکت مجدد در انتخابات (در امریکا برای هر فردی حداکثر دو دوره امکان زمامداری در کاخ سفید وجود دارد و ترامپ با احتساب پیروزی سال ۲۰۱۶ خود به این نصاب خواهد رسید) مجبور به کناره‌گیری از رقابت می‌شود، ونس تبدیل به بالقوه‌ترین و شانس‌دارترین نامزد برای شرکت در انتخابات به عنوان نماینده حزب جمهوریخواه می‌گردد.



خیلی‌ها بر این

باورند که دالیل

و نشانه‌های

پیروزی

خبرساز ترامپ

در انتخابات

همان سال

ریاست

جمهوری

امریکا را

می‌توان در

کتاب «میراث

هیل بیلی»

جست زیرا

ترامپ همان

راهی را طی

کرد که ونس

در کتاب

خاطراتش

مدعی پیمودن

آن شده است

در انتخابات نهایی ریاست جمهوری امریکا همان طور که پیش‌تر آمد، «کامالا هریس» است، اما این یک سؤال مهم است که این زن تا چه میزان برای جلب آرای مردم در روز انتخابات شانس دارد. پرسش مهم‌تر این است که هواداران و شرکای بایدن که تا قبل از کناره‌گیری او از کورس انتخابات به حساب وی پول می‌ریختند تا بودجه کمپین وی تأمین شود، حالا که هریس- یا هر فرد دیگری که دموکرات‌ها بخواهند- جای بایدن را می‌گیرد، تا چه میزان حاضرند نازد جدید حزب‌شان را شارژ مالی کنند.

هریس در چند روز نخست پس از کنار رفتن بایدن حرف‌های گنده‌ای زد و ترامپ را به سبب برونده‌های متعدد متحذی‌ها عنوان کرد که دارد «کلاهبردار» خواند، اما صرفنظر از بار روانی‌ای که این مسئله در خود او و حامیتش برای ادامه کارزار انتخاباتی وارد خواهد کرد، معلوم نیست وی چطور می‌خواهد در سه ماهی که تا برگزاری رأی عظیمی که به حمایت از ترامپ گرایش دارد، بگاهد و صاحب شانس پیروزی شود. این در حالی است که هریس برخلاف ادعاهای مطرح شده قبل از انتخابات سال ۲۰۲۰ نه‌تنها یک معاون کارگشا، خلاق و خبرساز برای بایدن نشان نداد بلکه زیر سایه‌مردی حرکت کرد که بشدت بیمار است و فاقد هرگونه صلاحیت حتی حداقلی برای احراز پست ریاست جمهوری جلوه کرده بود و همین حالا هم جمهوری خواهان بر این تأکید دارند که اگر بایدن به اعتقاد همگان برای حضور در انتخابات بدون صلاحیت بوده، چگونه می‌خواهد چهار ماه باقی مانده از دوران ریاست جمهوری‌اش را طی و کنشورش را با سزآوری و معقول سلیم هدایت کند. پاسخ این سؤال ناگفته پیداست و دیگر مسئله‌ای که در مورد



بدرتر از هر

چیزی این

نکته بود که

سایر کشورها و

سران و مردم

آن دیدند بر

کشوری که

همیشه ادعا

داشته قدرت

اول جهان

است، کسی

حکمرانی

می‌کند که

ذره‌ای هم

عقل ندارد و

درس‌گشتگی

محض غرق

است



میلیاردها دلاری را نداشت که وی در این باره هزینه کرد. بایدن در پیام‌وداعی که برای اعلام کناره‌گیری‌اش از انتخابات امریکا روی وب‌سایتش خود گذاشت، مدعی شد که اقدامات اقتصادی مفیدی داشته و قیمت داروهای اضطراری را برای بیماران بشدت بدحال کاهش داده و در تأمین ارزان‌ترین روش‌های حفظ سلامت در عرصه‌های اقتصاد داخلی سهم بزرگی در سلب بارافشاده خندیدند و فهمیدند نهایت سقوط او داشت. بایدن در ۱۰ ماهی که از شروع جنگ ویرانگر غزه می‌گذرد، با بی‌انصافی هر چه بیشتر تا آنجا که توانست، ارتش رژیم غاصب و منفور صهیونیستی را تجهیز و این قوای باطل را قادر به اجرای بزرگ‌ترین نسل‌کشی‌ سننوات معاصر کرد؛ روندی که طی آن بیش از ۴۰ هزار فلسطینی شریف شهید و فرزون‌تر از ۹۱ هزار نفر هم مجروح شده‌اند. کمک‌های نظامی بایدن به اوکراین هم با اینکه مدت مقاومت این کشور در مقابیل تهاجم ارتش روسیه‌را بیشتر ساخت اما ارزش

کناره‌گیری جو بایدن از انتخابات امسال ریاست جمهوری امریکا واقعه مهمی بود، اما واقعیت آن است که این رویداد مکانیسم معیوب انتخاباتی این کشور را چندان ترمیم نمی‌کند و شرایط سیاسی امریکا همانی می‌ماند که قبلاً بود و اینک هم هست.

فشار عمومی روی بایدن برای کناره‌گیری از انتخابات بعد از نمایش فاجعه‌بار وی در اولین مناظره‌اش با دونالد ترامپ و البته با احتساب تمام کاستی‌های فیزیکی ذهنی ۴۰۵ سال اخیر او و بروز هر چه بیشتر زوال عقل دربرندازند که اصلح‌ترین باشند. دونالد ترامپ به این سبب در یک دهه اخیر اوج گرفته که بهترین تأمین‌کننده نیازهای افراطی و اجتماعی افراد بشدت تندروی به حساب می‌آید که معتقدند امریکا دریست متعلق به سفیدپوستان است و هر گروه دیگر و هر اقلیتی باید محو شود. ترامپ از آن رویک پوپولیست افراطی شده که اگر نمی‌شد، آزاری را نمی‌آورد که طیف مورد بحث به نام فرد تأمین‌کننده خواسته‌های سفیدپوستان افراطی به صندوق‌ها می‌ریزند. تعویض بایدن و آوردن فردی بجز او به چرخه انتخابات هم یا اینکه قطعاً محصول کاستی‌ها و کم آوردن‌های فراوان جسمانی و ذهنی وی بوده اما این دلیل جنبی و مهم را هم دارد که حتی اگر وی سالم بود، مدل کار و روش حضورش در میدان، دیگر همان چیزی نیست که نسل فعلی انتخاب‌کننده در امریکا به آن نظری خوش داشته باشد و آن را «بهروز» بشمرد.

نمی‌شد بایدن این پیرمرد ماند

افتضاحات کلامی بایدن در ماه‌های اخیر به حدی رسیده بود که نه‌تنها برای حضور در انتخابات بسیار پرچوش و خروش امریکا اصلاً مناسب نبود،

پیروزی ترامپ در انتخابات آبان‌ماه و ورود به کاخ سفید در معیت مقام مافوق خود به همان میزان قدرت و نفوذی دست یابد که دیک چنی در زمان زمامداری جورج دبلیو بوش از آن بهره می‌برد.

اولین بمب اتمی روی سرروس‌ها!

با وجود این، ونس در هفته‌های اخیر از هر فرصتی برای بیان صریح ایده‌هایش پیرامون نحوه اداره امریکا و راه‌های کنترل بحران‌های فرامرزی به‌گونه‌ای که امریکا از آن متضرر نشود، سود جسته است. نظرات ونس درباره جنگ دو سال و نیم اخیر روسیه- اوکراین آنچنان افراطی است که انگار می‌خواهد اولین بمب اتمی در دسترس‌اش را روی خاک روسیه بیندازد و در عین حال اعتقاد دارد که بهتر است این موضوع یک مقوله اروپایی تلقی شود و همان اروپایی‌ها پیرامون آن تصمیم‌گیری و اقدام کنند. اگر ونس درباره اوکراین قدری مردد است و در نهایت حل آن را به خود اروپایی‌ها و ناتو می‌سپرد، در مورد جنگ غزه چنان مصمم و یکسویه است

که نمی‌توان به تغییر عقیده او در کوتاه مدت امید بست و شاید فقط در درازای زمان قدری تغییر عقیده بدهد. ونس یک صهیونیست دواتشه و حامی بزرگ رژیم تل‌آویو است و اعتقاد دارد باید به کشورهای که به فلسطین شریف و مظلوم کمک می‌کنند تا رویه‌روی نسل‌کشی‌های اسرائیلی هر چه بیشتر و بهتر بایستند، رحم نکرد و با آنها هم وارد جنگ شد. شاید نوع برخورد امریکا با این مسأله و نوع حاکمیت این‌ کشور از رژیم غاصب صهیونیستی در تمامی این سال‌های طولانی چندان متفاوت با نحوه نگاه فعلی ونس به این ماجرا نباشد اما اگر ونس رئیس جمهور امریکا شود (که بعید است نشود) مجری این ایده‌ها و جنگ‌ها مردی خواهد بود که حتی از ترامپ هم افراطی‌تر، غیرمصلح‌ه‌وتر و سرشار از عناد و تکبر و خودپرستی است. در آن صورت اتفاقات خاورمیانه حتی تندتر از زمان فعلی خواهد شد، البته منوط به اینکه بنیامین نتانیاهاو و دار و دسته تبهکار وی از گرداب فعلی که در غزه به روی‌شان دهان گشوده، جان سالم به در بیزند و رژیم تکت‌بار اسرائیل تا چنان تاریخی استمرحیات یابد.

منبع: Middle East Eye